

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Methods of Influence Exercised by the Authority Responsible for the Execution of Sentences within Leniency Mechanisms in Iranian and French Law

Abdolreza Rezaei¹, Batool Pakzad^{1*}, Hamidreza Adabi¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: b_pakzad@iau-tnb.ac.ir

ABSTRACT

The execution of criminal judgments is one of the most significant issues in criminal law. Analyzing and examining the proper enforcement of criminal judgments and punishments can restore order to society and provide grounds for the protection of the community. In this regard, the execution of punishments within leniency mechanisms constitutes an important subject requiring discussion and analysis, because it represents a relatively modern approach that seeks to establish a conciliatory and mercy-oriented solution in the punishment of offenders. Accordingly, the purpose of this article is to examine the methods through which the authority responsible for the execution of sentences exerts influence within leniency mechanisms in Iranian and French law. This article adopts a descriptive-analytical approach and examines the subject through library-based research methods. The findings indicate that the role of postponement and suspension of sentence execution, temporary suspension of community service performance, exemption from the payment of monetary fines, granting leave to prisoners, reform and rehabilitation of offenders through measures implemented during imprisonment, proposing the reduction, revocation, or conversion of supplementary punishments, and requesting conversion to an appropriate punishment constitute the most important methods through which the authority responsible for sentence execution exerts influence within leniency mechanisms in Iranian law. Meanwhile, postponement, the establishment of judicial social supervision institutions, the judicialization of the sentence execution stage, and the establishment of a security period constitute the most significant methods through which the authority responsible for sentence execution exerts influence within leniency mechanisms in French law.

Keywords: *Authority Responsible for the Execution of Sentences, Postponement of Punishment, Suspension of Punishment, Iranian Law, French Law.*

How to cite: Rezaei, A., Pakzad, B., & Adabi, H. (2027). Methods of Influence Exercised by the Authority Responsible for the Execution of Sentences within Leniency Mechanisms in Iranian and French Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 5(3), 1-27.



تاریخ ارسال: ۱ دی ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۱۳ تیر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ شهریور ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

روش‌های تاثیرگذاری مقام اجرای مجازات در سازوکارهای ارفاقی در حقوق ایران و فرانسه

عبدالرضا رضایی^۱، بتول پاکزاد^{۲*}، حمیدرضا آدابی^۱

۱. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: b_pakzad@iau-tnb.ac.ir

چکیده

اجرای احکام مجازات، یکی از مهمترین مسائل حقوق کیفری است. تحلیل و بررسی اجرای صحیح احکام کیفری و مجازات‌ها می‌تواند نظم را به جامعه بازگرداند و زمینه‌های حمایت از جامعه را فراهم کند. در این میان، اجرای مجازات در سازوکارهای ارفاقی از موضوعات مهمی است که نیازمند بحث و بررسی است، زیرا رویکرد تقریباً نوینی است که سعی در ایجاد راهکاری مسالمت‌آمیز و رأفت‌مدار در مجازات مجرم دارد. بر همین اساس هدف مقاله بررسی روش‌های تاثیرگذاری مقام اجرای مجازات در سازوکارهای ارفاقی در حقوق ایران و فرانسه است. این مقاله توصیفی تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که نقش تعویق و توقف اجرای مجازات، تعلیق موقت انجام خدمات عمومی، معاف کردن از پرداخت جزای نقدی، اعطای مرخصی به زندانیان، اصلاح و بازپروری مجرمین از طریق تدابیری ضمن مجازات حبس، پیشنهاد کاهش، لغو یا تبدیل مجازات تکمیلی و تقاضای تبدیل به مجازات مناسب، مهمترین روش‌های تاثیرگذاری مقام اجرای مجازات در سازوکارهای ارفاقی در حقوق ایران است. در همین حال، تعویق، پیش‌بینی نهاد مراقبت اجتماعی قضایی، قضایی کردن مرحله اجرای حکم و پیش‌بینی دوره تأمین، از مهمترین روش‌های تاثیرگذاری مقام اجرای مجازات در سازوکارهای ارفاقی در حقوق فرانسه است.

کلیدواژگان: مقام اجرای مجازات، تعویق مجازات، توقف مجازات، حقوق ایران، حقوق فرانسه.

نحوه استناددهی: رضایی، عبدالرضا، پاکزاد، بتول، و آدابی، حمیدرضا. (۱۴۰۶). روش‌های تاثیرگذاری مقام اجرای مجازات در سازوکارهای ارفاقی در حقوق ایران و فرانسه. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*. ۵(۳)، ۱-۲۷.

فرانسه بررسی شده است. روش تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است. در این راستا، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اسناد قانونی و رویه قضایی، نقش قاضی اجرای احکام کیفری در سازوکارهای ارفاقی در نظام حقوقی ایران و فرانسه مورد مطالعه و تحلیل تطبیقی قرار گرفته است.

نقش مقام اجرای مجازات در سازوکارهای ارفاقی در حقوق ایران

نقش مقام اجرای مجازات در سازوکارهای ارفاقی در حقوق ایران عبارت‌اند از:

تعویق و توقف اجرای مجازات

لازم‌الاجرا بودن احکام قطعی یک اصل است، لکن شخصی بودن مجازات و سلامت جسمانی محکوم‌علیه، حاکم بر این اصل است. برابر ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، هرگاه محکوم‌علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می‌اندازد. این ماده در راستای کرامت‌مدار شدن آیین دادرسی تفسیر شده است، زیرا بی‌توجهی به بیماری افراد و عدم رعایت حقوق بیمار بر اساس آنچه در منشور حقوق بیماران بیان شده، از موضوعاتی است که با عدم رعایت کرامت اشخاص می‌تواند ارتباطی مستقیم داشته باشد (Ashouri & Rahmat, 2014).

فقه جزایی نصوص و فتاوی دال بر این است که اگر مرتکب حد از بیماری یا زخمی در بدن و امثال آن رنج ببرد، اجرای حد تا زمان بهبودی به تأخیر می‌افتد (Amili, 1993). صاحب جواهر در مورد زن باردار می‌نویسد: «همان‌گونه که علامه حلی و دیگران تصریح کرده‌اند هیچ حدی ولو شلاق بر زن باردار اجرا نمی‌شود؛ حتی اگر حمل ناشی از زنا باشد، تا زمانی که وضع حمل نموده و دوره نفاس خارج شود» (Najafi, 1983). افزون بر این، برابر

برای اجرای مؤثر مجازات‌ها، وجود مقام قضایی مستقلی در مرحله اجرای حکم ضروری است. از همین‌رو، در قوانین کیفری ایران و فرانسه، نهادی با عنوان «قاضی اجرای احکام کیفری» پیش‌بینی شده که وظایف او محدود به اجرای صرف مجازات نیست، بلکه در راستای فردی‌سازی مجازات‌ها و تطبیق آنها با ویژگی‌های شخصیتی محکومان عمل می‌کند. این قاضی با همکاری مددکاران اجتماعی، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان سازمان زندان‌ها، در تحقق هدف اصلاح و بازاجتماعی‌کردن محکومان نقش مهمی دارد. قاضی اجرای احکام، به‌ویژه در ارتباط با نهادهایی مانند تعلیق، تعویق صدور حکم، آزادی مشروط، نیمه‌آزادی و مجازات‌های جایگزین حبس، اختیاراتی دارد که او را به عنصری کلیدی در فرآیند اجرای مجازات‌ها تبدیل کرده است. در نظام حقوقی فرانسه، مطابق قوانین کیفری، به‌ویژه قانون جزای ۱۹۹۲، مرحله اجرای حکم نیز یک مرحله قضایی تلقی می‌شود؛ جایی که قاضی اجرای مجازات، بدون نیاز به ارجاع مجدد به دادگاه صادرکننده رأی، می‌تواند بر اساس تحول شخصیت محکوم، در مجازات تعیین‌شده تعدیل ایجاد کند (Amiri et al., 2018). این مقام قضایی در ایران نیز، مشابه همتای فرانسوی خود، می‌تواند در راستای اصولی همچون فردی‌سازی مجازات‌ها، تساوی سلاح، قانونی بودن جرم و مجازات و نظارت بر اجرای صحیح احکام، نقش مؤثری ایفا کند. بنابراین، اعطای اختیارات گسترده به این مقام، به‌ویژه در مواردی که امکان دخل و تصرف در رأی صادره وجود دارد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (Mousavifard et al., 2017; Najafian, 2013). بر اساس آنچه گفته شد، هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که روش‌های تأثیرگذاری مقام اجرای مجازات در سازوکارهای ارفاقی در حقوق ایران و فرانسه کدام است؟ به‌منظور بررسی این سؤال، ابتدا نقش مقام اجرای مجازات در سازوکارهای ارفاقی در حقوق ایران و سپس در حقوق

تبصره این ماده، هرگاه حین اجرای مجازات نیز بیماری حادث شود و تعویق اجرای مجازات فوریت داشته باشد، قاضی اجرای احکام کیفری ضمن صدور دستور توقف اجرای آن، طبق مقررات این ماده اقدام می‌کند. اختیار تعویق و توقف اجرای مجازات از بارزترین جلوه‌های تفرید اجرایی و هم‌زمان ارفاقی شدن اجرای کیفر و نشان‌دهنده اهتمام قانون‌گذار به سلامتی جسمی و روحی بزهکاران است.

از سوی دیگر، اگر اجرای مجازات‌های غیرسالب حیات سلامتی محکوم‌علیه یا اشخاص ثالث را به مخاطره اندازد، تا زمان رفع خطر اجرای آن به تأخیر می‌افتد و این امر بر عهده قاضی اجرای احکام است. برابر ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری، «اجرای مجازات در موارد زیر به تشخیص و دستور قاضی اجرای احکام به تعویق می‌افتد: الف- دوران بارداری؛ ب- پس از زایمان حداکثر تا شش ماه؛ پ- دوران شیردهی حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی؛ ت- اجرای مجازات شلاق در ایام حیض یا استحاضه». رویکرد تفریدی ارفاقی در اجرای مجازات‌های زنان بزهکار ناشی از ویژگی‌های جسمی و عاطفی این گروه است. از این روی، پاسخ‌های متناسب و جنسیت‌مدار نسبت به زنان بزهکار و شناسایی ویژگی‌ها و نیازهای خاص آنان در روند عدالت کیفری ضروری دانسته شده است (Aghaei Jannat Makan, 2015). نقش قاضی اجرای احکام در این زمینه مستقل است و در صورت احراز وضعیت‌های چهارگانه، باید اجرای مجازات بدنی را به تأخیر اندازد. این تأخیر نه تنها بر مبنای ویژگی‌های فردی محکوم‌علیه، تفرید اولیه، بلکه به دلیل نیازهای خاص نوزاد، به عنوان شخصی مستقل، در راستای تفرید ثانویه نیز اهمیت دارد. فردی‌سازی مجازات امروزه بیشتر بر اساس شرایط شخصی محکوم‌علیه و استحقاق ناشی از رفتار ارادی وی صورت می‌گیرد، اما در رویکردهای انسانی‌تر، عوامل غیرارادی مانند بیماری یا کهنسالی نیز لحاظ می‌شود. پیشنهاد نگارنده آن است که قاضی اجرای احکام

در تعیین نحوه اجرای مجازات، مجاز به در نظر گرفتن شرایط غیرمرتبط با بزهکار نیز باشد. این موضوع می‌تواند با الحاق بندی به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی تحقق یابد: «دادگاه در صدور حکم تعزیری، عواملی چون امکانات و جمعیت زندان، حوادثی نظیر سیل یا زلزله، و شرایط بهداشتی مانند بیماری‌های فراگیر را لحاظ کند». این رویکرد در فقه نیز سابقه دارد، چنان‌که محقق سبزواری با استناد به ادله اربعه می‌گوید: اگر اجرای حد موجب بیماری شدید شود، اجرای آن جای اشکال دارد؛ زیرا حفظ نفس، اولویت دارد (Sabzevari, 1992). این مطلب ناظر به فرضی است که متهم بالفعل بیمار نیست، بلکه وقوع بیماری در اثر اجرای حد محتمل است. از سوی دیگر، بیماری خصوصیتی ندارد و احتمال وقوع مفاسد شدید دیگر نیز چنین حکمی دارد. از این روی، برخی دیگر گفته‌اند اگر محکوم‌علیه بیمار باشد و حبس برای او زیان داشته باشد، یا زنی باشد که برای عفت او ضرر داشته باشد، زندانی نمی‌شود (Tabasi, 1995). روشن است همجنس‌بازی یا تعرض جنسی به پسر یا دختر جوان از سوی زندانیان مرد یا زن که موجب شکسته شدن عفت آنان و مانعی بزرگ بر سر راه اصلاح و بازپروری، به عنوان هدف اصلی زندان، است.

به هر حال، این شرایط ممکن است ناظر به ویژگی‌های اعضای خانواده بزهکار باشد، مانند امکان افزایش مرخصی‌ها یا تبدیل زندان به مجازات دیگر در فرض باردار بودن همسر، معلول بودن، فرزند کهنسال و نیازمند مراقبت بودن والدین و ...؛ یا ناظر به ویژگی‌های محل نگهداری زندانی، مثل افزایش تعداد و زمان مرخصی‌ها یا تبدیل زندان به مجازات دیگر در فرض افزایش تعداد زندانیان و کمبود فضا، فرسودگی ساختمان زندان، ورود زندانی جدید پرمخاطره و ...؛ یا ناظر به نیازهای اقتصادی جامعه، مانند امکان تبدیل حبس به مجازات جایگزین برای تکنسین کارخانه یا کارشناس با تخصص خاص؛ یا ناظر به آینده کاری یا تغییرات

زندانی و منتفعین از سازوکارهای تعدیل زندان هستند، باید مبنای اقدامات تفریدی قاضی اجرای احکام، تفرید ثانویه، باشد.

معاف کردن از پرداخت جزای نقدی

برابر تبصره ۳ ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری، «هرگاه محکوم علیه ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ احضاریه قاضی اجرای احکام کیفری برای پرداخت جزای نقدی حاضر شود، قاضی اجرای احکام می تواند او را از پرداخت بیست درصد جزای نقدی معاف کند.» تخفیف بیست درصدی راهکار تشویقی برای آسان سازی دریافت جزای نقدی است، لکن مهم تر از آن، نقش و اختیاری است که قانون گذار به قاضی اجرای احکام داده است که وی می تواند شخصاً بدون نیاز به ارجاع یا موافقت قاضی دادگاه یا دادستان، این تخفیف را اعمال کند. این سازوکار از کارآمدترین ابزارهای تفرید اجرایی و ارفاقی است، چرا که از یک سو قاضی اجرا خودش، بدون مداخله مقامات دیگر، تصمیم می گیرد و از سوی دیگر، به کارگیری آن اختیاری است و به عنوان اهرمی برای فردی سازی در دست او قرار دارد. افزودن اختیاراتی از این دست در سایر مجازات ها، از جمله در شلاق و سایر مجازات های تعزیری، نقش برجسته ای در تفرید اجرایی- ارفاقی خواهد داشت. صرف حضور قاضی در مرحله اجرای حکم برای فردی سازی کیفر کافی نیست، بلکه باید اختیارات تنبیهی و تشویقی بیشتری به قاضی اجرای احکام داده شود. برخی اختیارات، مانند تخفیف مجازات، همچنان در صلاحیت قاضی صادرکننده حکم است، در حالی که با واگذاری آن به قاضی اجرای احکام، هم بار دادگاه کاسته می شود و هم نقش این قاضی تقویت می گردد. به عنوان نمونه، طبق ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری، در صورت اسقاط تجدیدنظرخواهی، دادگاه می تواند تا یک چهارم از مجازات بکاهد. این اختیار می تواند به قاضی اجرای احکام واگذار شود، مشابه تخفیف جزای نقدی در صورت پرداخت فوری. همچنین، در فرض گذشت شاکی پس از قطعیت حکم، ماده ۴۸۳، قاضی اجرای

زندگی، مانند دادن مرخصی طولانی به زندانی به جهت نزدیک شدن به زمان برگزاری آزمون سراسری یا اصرار نامزد زندانی بر تعیین تکلیف وی و ... باشد. به نظر می رسد انجام تحقیقات آماری مشابه آنچه در برخی کشورها انجام شده و سنجش مدت محکومیت به زندان صادرشده بر مبنای متغیرهایی مانند سن، جنس، نژاد، نوع جرم، درجه دادگاه و ... می تواند در این زمینه راهگشا باشد (Ostrom et al., 2004).

مراد از اقدامات اختیاری، مواردی است که قاضی اجرای احکام به حکم قانون اختیار انجام آن را دارد. تصمیم قاضی به اجرا یا عدم اجرای این موارد، نقش غیرقابل انکاری در فردی سازی ارفاقی دارد.

تعلیق موقت انجام خدمات عمومی

خدمات عمومی رایگان یکی از مجازات های جایگزین زندان است که با رضایت محکوم، برای مدت معین، بسته به نوع جرم ارتكابی و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجرا می گردد. برابر تبصره ۴ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی، قاضی اجرای احکام می تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت های خانوادگی و مانند آنها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد دهد. این اختیار قاضی اجرای احکام، ابزار طلایی سامانه پساکیفری در راهبرد تفرید اجرایی و ارفاقی سازی مجازات است، چرا که نه تنها مبتنی بر وضعیت جسمانی متهم و نیاز او به خدمات پزشکی محکوم علیه، تفرید اولیه، است، بلکه به معذوریت های خانوادگی وی هم بستگی دارد (Breen, 2008). این همان چیزی است که نگارنده پیش تر هم بر آن تأکید کرده که در فردی سازی اجرایی، نه تنها رفتارهای ارادی محکوم علیه، بلکه وضعیت های غیرارادی وی مانند بیماری وی و حتی شرایط افراد مرتبط با محکوم علیه مانند فرزندان، خانواده و بستگان محکوم علیه نیز که متأثرین از

تقاضای تبدیل به مجازات مناسب

برابر بخشی از ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، چنانچه در جرائم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری پس از احراز بیماری محکوم علیه و مانع بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل، پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر، با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات، به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می‌کند. امکان تبدیل مجازات به جهت بیماری محکوم علیه از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری است و پیش از آن در راستای بند یک، ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، در صورتی که طبق گواهی پزشک، اجرای شلاق برای محکوم علیه مضر و سبب مرگ یا ضایعات جسمی بود، این بیماری تنها موجب تأخیر در اجرای مجازات بود (Bakhtar, 2009). تصمیم‌گیری در مورد تبدیل یا عدم تبدیل به مجازات دیگر و نیز تشخیص مجازات مناسب در صلاحیت مرجع صادرکننده رأی قطعی و در واقع جلوه‌ای از تفهید قضایی است (Pourghahramani & Negahdar, 2018). لکن تشخیص اولیه بیماری و نبود امید به بهبودی و ضرورت استعلام از پزشک جهت احراز بیماری، که علی‌القاعده با جلب نظر پزشک قانونی حاصل می‌شود، و نیز تشخیص مانع بودن بیماری برای اعمال مجازات بر عهده قاضی اجرای احکام است و این امر از جلوه‌های فردی‌سازی اجرایی و ارفاقی‌سازی مجازات بر مبنای وضعیت جسمی محکوم علیه است.

پیشنهاد کاهش، لغو یا تبدیل مجازات تکمیلی

مجازات تکمیلی مطابق ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی قابل تغییر است و قاضی دادگاه می‌تواند با توجه به وضعیت اصلاحی محکوم علیه، آن را افزایش، کاهش، تبدیل یا لغو کند. این تصمیم منوط به پیشنهاد قاضی اجرای احکام است که عملاً تبعیت یا تخلف محکوم علیه را ارزیابی و اعلام می‌کند. بنابراین، نقش قاضی اجرای احکام در این فرایند کلیدی است و باید نقش تفهیدی و

احکام می‌تواند بدون طی فرایندهای طولانی دادگاه و حضور دادستان، مجازات را تخفیف داده یا تبدیل کند، که اقدامی مؤثر در تسهیل اجرای عدالت است.

اعطای مرخصی به زندانیان

یکی از بزرگ‌ترین ارفاقات حقوقی نسبت به زندانیان، اعطای مرخصی است. این امر زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که نتیجه مرخصی رفتن، امکان جلب رضایت شاکی و احتمالاً آزادی دائم زندانی باشد. به موجب تبصره ۳ ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری، در مواردی که زندانی دارای شاکی خصوصی است و بنا به تشخیص دادستان یا قاضی اجرای احکام، اعطای مرخصی می‌تواند در جلب رضایت شاکی مؤثر باشد، «زندانی می‌تواند پس از سپردن تأمین مناسب در طول مدت حبس، یک نوبت دیگر و حداکثر به مدت هفت روز از مرخصی استفاده نماید.» قاضی اجرای احکام در تشخیص مؤثر بودن یا نبودن مرخصی در جلب رضایت شاکی مستقلاً تصمیم می‌گیرد و نقشی هم‌سنگ نقش دادستان دارد. این اختیار او از ابزارهای مؤثر فردی‌سازی مجازات است که موجب تفاوت سرنوشت کیفری بزه‌کار می‌گردد. با وجود این، هنوز در نظام حقوقی ما گاه اختیارات قانونی به اشخاصی داده شده که فاقد دانش و تخصص حقوقی و قضایی هستند و نحوه عملکرد آنها می‌تواند در موفقیت اهداف کیفر تأثیر منفی داشته باشد. به‌عنوان نمونه، از مقررات قابل انتقاد در این زمینه، دستورالعمل اجرایی کنترل مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار مصوب ۲۶/۰۴/۱۳۹۷ است که اختیارات زیادی به ضابطان قضایی داده است. از جمله برابر ماده ۹ این دستورالعمل، ضابطان دادگستری می‌توانند در مورد ممنوعیت یا محدودیت اعطای مرخصی به افراد فوق، به‌صورت موردی پیشنهادات خود را به دادستان مربوط اعلام کنند.

شر بزهکاری می‌باشد، اما باید با انجام برنامه‌هایی زندانیان را اصلاح کرد (Ebrahimi, 2016). این امر منوط به فراهم بودن شرایط و زمینه‌های لازم، اعم از عوامل انسانی، کادر متخصص، و ابزار و امکانات بازپروری است که البته هزینه‌های بالایی را نیز بر دولت‌ها تحمیل می‌کند. وانگهی شرط ضروری آن، جمعیت متناسب با حجم زندان‌هاست (Haji Dehabadi, 2009).

در ایران، آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نیز ماهیت زندان را به درمانگاه جرم تغییر داده و نویسندگان آیین‌نامه اجرایی، به منظور اجرای قانون اساسی، رسالت زندان را برای اصلاح و درمان تعبیر کرده‌اند. این آیین‌نامه بعد از انقلاب پنج بار اصلاح شده و تغییر کرده است. مهم این است که در هر پنج نوبت، زندان به عنوان محل تحمل مجازات به منظور اصلاح و بازسازگاری بزهکاران معرفی شده است. البته مقررات مربوط به اداره زندان در بخش مربوط به نحوه رفتار با زندانیان، تا حدود زیادی تحت تأثیر مجموعه قواعد حداقل ۱۹۵۵ سازمان ملل و نیز اصول راهبردی قانون اساسی بوده است. بر همین اساس، آیین‌نامه امور زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴، هدف از نگهداری محکومان را در زندان، اصلاح و بازپروری آنان می‌داند. به عبارت دیگر، کارکرد اصلی زندان در این رویکرد، کارکردی فایده‌مدار، یعنی مبارزه با تکرار جرم، می‌باشد. به همین دلیل، برنامه‌های زندان باید رنگ و بوی درمانی به خود بگیرد. علاوه بر این، تهیه‌کنندگان آیین‌نامه ۱۳۸۴، به جنبه‌های انسانی برنامه‌های زندان بی‌توجه نبوده‌اند. تدوین‌کنندگان این آیین‌نامه، در اجرای اصل ۳۹ قانون اساسی و با الهام از قانون احترام به آزادی مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ همین قانون، در ماده ۴۴ آن، تشکیل «دفتر حمایت از حقوق شهروندی» را زیر نظر سازمان زندان‌ها پیش‌بینی کرده‌اند. وظیفه این دفتر، از یک سو، ترویج فرهنگ حقوق شهروندی متهمان و زندانیان و از سوی

ارفاقی او تقویت شود. پیشنهاد می‌شود در تمام مواردی که رفتار محکوم‌علیه زمینه تغییر در حکم را فراهم می‌کند، نظر قاضی اجرای احکام ملاک تصمیم قضایی قرار گیرد. در این زمینه یک نگرانی وجود دارد و آن ارزیابی عملکرد قضات اجرای احکام است، لکن آنچه می‌تواند تضمین‌کننده درستی رفتار و عملکرد قاضی اجرای احکام از جهت نحوه اجرای اختیارات و وظایف مستقل و وابسته باشد، قضایی کردن تصمیمات قاضی اجرای احکام است. توضیح آنکه غیرقابل‌اعتراض بودن اقدامات قاضی اجرای احکام در قانون آیین دادرسی کیفری نشان می‌دهد که اقدامات وی جنبه اداری دارد، در حالی که برخی از تصمیمات قاضی اجرای احکام، تغییر در مجازات است که تصمیمی قضایی به شمار می‌رود و علی‌القاعده باید قابل اعتراض باشد. این در حالی است که جنبش قضایی کردن اجرای مجازات‌ها در سطح داخلی در بعضی کشورها مانند آلمان و ایالات متحده توسط دادگاه‌های قانون اساسی و در سطح بین‌المللی با وضع و تصویب مقررات غیرالزامی، دولت‌ها به این کار ترغیب شده‌اند (Delmas-Marty, 2002). از جمله پیشنهادات در جهت قضایی کردن واقعی اعمال مجازات‌ها، قابل اعتراض بودن تصمیمات قاضی اجرای احکام و حتی تأسیس دادگاه اجرای مجازات‌ها است.

اصلاح و بازپروری مجرمان از طریق تدابیری ضمن مجازات حبس

از آنجا حفظ امنیت اجتماعی وظیفه دولت‌هاست و نظر به اینکه عدم مجازات مجرمان می‌تواند راه را به سوی انتقام خصوصی و آشفتنگی هرچه بیشتر نظم اجتماعی بگشاید و نیز با توجه به اینکه ارتکاب جرم، عواملی همچون بیکاری، بی‌سوادی، فقر فرهنگی، عدم توان مهارت لازم در کف نفس و ... است، ضرورت اتخاذ تدابیری ضمن مجازات حبس با عنوان برنامه‌های بازپروری را آشکار ساخته است. بدین‌سان، زندان، گرچه فی‌نفسه کارکرد تربیتی ندارد و بیشتر در جهت حمایت از جامعه و تأمین جامعه از

دیگر، پیشبرد احترام به کرامت و منزلت انسانی آنان در مراکز کیفری است (Boulloc, 2008).

در فصل چهارم آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی نیز، موارد چندی به بحث آموزش زندانیان اختصاص داده شده است. آموزش‌های مذکور می‌تواند در ابعاد تحصیلی، دینی، فرهنگی و ... باشد. در تبصره ماده ۱۳۷ بر اجباری بودن شرکت افراد زندانی در کلاس‌های سوادآموزی نسبت به افراد زیر ۶۰ سال تأکید شده است (Ebrahimi, 2012).

مواد ۱۴۸ و ۱۴۹ نیز بر رعایت آموزش‌های دینی و انجام فعالیت‌های مذهبی در زندان تأکید نموده است. ورزش در زندان از موارد مورد تأکید در آیین‌نامه است که در ماده ۱۵۱، ضمن پیش‌بینی امکانات ورزشی مورد نیاز و حتی مربیان ورزش در سطح زندان، اجرای برنامه‌های ورزش صبحگاهی برای محکومان قادر به انجام ورزش، اجباری تلقی شده است. همچنین، براساس آیین‌نامه اجرایی کانون اصلاح و تربیت، برنامه‌های بازپرورانه خاصی برای افراد بزهکار زیر ۱۸ سال تعیین شده و در این راستا، براساس ماده ۲ آیین‌نامه، مرحله‌ای به نام اصلاح مورد شناسایی قرار گرفته است (Ebrahimi, 2012).

از دیدگاه نگارنده، یکی دیگر از جلوه‌هایی که می‌تواند در بعد اصلاح زندانیان مورد نظر باشد، تنبیهات انضباطی در محیط زندان است.

آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴ در فصل پنجم، موارد چندی را طی مواد ۱۶۷ تا ۱۷۹ به این بحث اختصاص داده است. به همین منظور، شورایی با عنوان «شورای انضباطی» با ترکیب زیر پیش‌بینی شده است که در خصوص تعیین تنبیهات تشکیل می‌گردد: مسئولان واحد قضائی، بازپروری، حفاظت اطلاعات، رئیس اندرزگاه مربوطه و یک مددکار به انتخاب رئیس زندان. آرای صادره توسط شورا با دستور رئیس زندان یا جانشین وی اجرا می‌شود و صورت جلسه حاکی از ذکر نوع تنبیه و اجرای آن نیز

ضمن تنظیم، در پرونده محکوم بایگانی می‌گردد. چنانچه عمل فرد واجد وصف جزائی یا حقوقی باشد، مراتب به قاضی ناظر زندان به‌منظور اتخاذ تصمیم گزارش می‌گردد (Ebrahimi & Izadi, 2012).

طبقه‌بندی و تفکیک زندانیان، سیاستی است که اصلاح و درمان مجرمین را تسهیل و کارایی برنامه‌های اجراشده را افزایش می‌دهد. در خصوص طبقه‌بندی و تفکیک زندانیان، موارد متعددی از آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ و همچنین آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان به این امر اختصاص یافته است (Ebrahimi & Izadi, 2012).

اولین جلوه تفکیکی که در این خصوص وجود دارد، اشاره مواد ۳ و ۴ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها است که زندان و بازداشتگاه را از هم جدا نموده و محل نگهداری مجرمین محکوم‌شده و متهمین بازداشت‌شده را تفکیک نموده است. زندان را محل نگهداری محکومان با حکم قطعی دانسته که با معرفی و حکم مقام قضائی، برای مدت معین یا دائم، به هدف حرفه‌آموزی و بازپروری نگهداری می‌شوند. لکن بازداشتگاه را محلی دانسته که متهمان صرفاً تا اتخاذ تصمیم بر مبنای قرار کتبی مقام قضائی در آن نگهداری می‌گردند. تبصره ۱ ماده ۴ نیز بر تفکیک این دسته افراد تأکید نموده است. دومین جلوه تفکیکی نیز ماده ۵ باید دانست که زندان‌ها را به زندان بسته، مرکز حرفه‌آموزی و اشتغال و اردوگاه تقسیم نموده است (Ebrahimi & Izadi, 2012).

آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان مصوب ۱۳۸۵ نیز مواد چندی را به این امر اختصاص داده است. این آیین‌نامه، طبقه‌بندی و تفکیک را به جداسازی زندانیان، بازداشتگاه‌ها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از حیث سن، نوع جرم و وضعیت سلامتی تعریف نموده است. همچنین، حبس انفرادی جهت آن دسته از

درمانی است که به سبک‌های مختلف در محیط زندان اجرا می‌گردند (Ebrahimi & Izadi, 2012).

بازپروری فرهنگی بزهکاران

بازپروری فرهنگی بزهکاران یا اصلاح و تربیت مجرمان دربرگیرنده آن دسته از تدابیر نظام عدالت کیفری است که به منظور بالا بردن سطح فرهنگی و تربیتی بزهکاران، آشنایی آنان با آموزه‌های تربیتی، اخلاقی و هنجارهای اجتماعی و در نتیجه، دوباره تربیت کردن مجرمان اتخاذ می‌شود. این گونه بازپروری با بهره جستن از تدابیر مناسب، به دنبال ترمیم فرآیند مختل شده تربیتی بزهکاران و اصلاح نظام رفتاری آنان است. بنابراین، نظام عدالت کیفری از رهگذر تدابیر تربیت‌مدار به دنبال بهبود ناهنجاری‌های رفتاری-تربیتی مجرمان و بازگشت آنان به زندگی سالم اجتماعی می‌باشند (Danesh, 2002).

بازپروری فرهنگی بزهکاران با تمرکز بر شناسایی مشکلات نظام تربیتی مجرمان و ارائه و اجرای راهکارهای مناسب در این خصوص، درصدد کاهش گرایش بزهکاران به تکرار بزهکاری از طریق بهبود و اصلاح نظام رفتاری مجرمان است. به همین دلیل، سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی و ملی این گونه بازپروری را در قالب مجازات زندان و سپس کیفرهای جامعه‌مدار پیش‌بینی کرده‌اند. برای نمونه، در گستره سیاست جنایی بین‌المللی، مواد ۴۱ و ۷۷ قواعد حداقل سازمان ملل متحد در زمینه رفتار با زندانیان ۱۹۵۵ و در پهنه سیاست جنایی ملی، مواد ۱۵۳، ۱۵۲ و ۱۵۵ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ۱۳۸۴، این گونه بازپروری را در شمار هدف‌ها و وظایف بنیادین مجازات زندان گنجانده‌اند. با پیدایش مجازات‌های جامعه‌مدار نیز، بازپروری مجرمان در شمار هدف‌ها و وظایف اصلی این گونه کیفر قرار گرفته است. تدوین‌کنندگان لایحه مذکور در همین راستا به پیش‌بینی بازپروری فرهنگی بزهکاران مبادرت ورزیده‌اند تا پس از تصویب آن، امکان اتخاذ تصمیم مناسب تربیت‌مدار به منظور

زندانیانی که به مشکلات انضباطی دچار می‌باشند، پیش‌بینی گردیده است (Ebrahimi & Izadi, 2012).

اهمیت محیط زندان در جهت راهبرد برگزاری دوره‌های اصلاح و درمان به گونه‌ای است که با صحبت از اصلاح و درمان مجرمان، در ابتدا نظرها به سمت محیط زندان جلب می‌گردد. حتی مطالعات صورت‌گرفته در خصوص کارایی برنامه‌های اصلاح و درمان نیز همه متمرکز بر برنامه‌های مورد اجرا در این محیط بوده است. ذات و ماهیت راهبردها در این مرحله به گونه‌ای است که در معرض تماس مستقیم با مجرم اعمال می‌شود و هدف و نشانه راهبرد نیز تغییر در شخصیت خود مجرم است. در واقع، در کنار راهبردهای ضمنی بستر ساز، راهبردهای اجرایی می‌توانند در رسیدن به هدف نهایی نقش بسیار مهمی داشته باشند (Ebrahimi & Izadi, 2012).

راهبرد دوره‌های اصلاحی و درمانی، مهم‌ترین راهبرد اجرائی در این مرحله است. در واقع، از زمانی که بحث آثار مخرب زندان به میان آمد و اثرات منفی که هم بر خود زندانی و هم جامعه و هم خانواده فرد تحمیل می‌گردد به وجود آمد، تفکر اصلاح و درمان در زندان‌ها تقویت شد و دولت‌ها نیز که اثر ارعابی زندان را کم‌رنگ‌تر از گذشته احساس می‌نمودند، چاره را در این دیدند که از فرصت زمانی موجود، که فرد در حبس می‌باشد، جهت برگزاری دوره‌های اصلاحی استفاده گردد (Mousavifard et al., 2017).

در راستای راهبرد تدوین دوره‌های اصلاحی درمانی باید گفت که به طور معمول، سه دسته کلی از این برنامه‌ها در محیط زندان اجرا می‌گردد. یک مجموعه، اتکا به بازپروری و بازاجتماعی نمودن دارد و سعی می‌نماید تا ضمن اجرای این برنامه‌ها، فرد را به حالت هنجارمند سوق دهد. برخی برنامه‌ها هدف رفع موانع را دنبال می‌کند، به نحوی که در زمان خروج فرد از محیط زندان، مانعی برای هنجارمند ماندن وی موجود نباشد. دسته سوم، برنامه‌های

اصلاح نظام رفتاری- تربیتی شماری از بزهکاران فراهم گردد. بدین ترتیب، دوباره تربیت کردن مجرمان و بهبود وضعیت تربیتی آنان از طریق برخی از جلوه‌های مجازات جامعه‌مدار، یعنی دوره مراقبت، مورد توجه نویسندگان این لایحه واقع شده است (Amid, 2005; Niazpour, 2007).

با وجود این، کارکرد نامطلوب برخی از خانواده‌ها در زمینه تربیت و اجتماعی کردن افراد، مانند روابط نادرست پدر و مادران با یکدیگر یا با فرزندان، ضعف یا نبود احساس پیوستگی میان اعضای خانواده، سخت‌گیری‌ها و یا آسان‌گیری‌های بیش از اندازه پدر و مادران، هنجارستیزی پدر و مادران، اعم از هنجارهای اخلاقی، اجتماعی و قانونی، و غیره، موجبات گرایش برخی از آنان به کج‌روی و بزهکاری را فراهم می‌کند.

بدین‌سان، شماری از افراد به دلیل نامناسب و نامطلوب بودن کارکرد تربیتی برخی از خانواده‌ها، بیش از دیگر شهروندان در معرض ارتکاب جرم قرار می‌گیرند یا مرتکب آن می‌شوند (Nowbahar, 2010). از این رو، ملزم نمودن برخی از بزهکاران به فراگیری قواعد اجتماعی، آداب معاشرت خانوادگی و آموزه‌های تربیتی در هم‌نو سازی آنان با ارزش‌های اجتماعی و بازسازی مجرمان بسیار تأثیرگذار است. به همین دلیل، نویسندگان لایحه مذکور مطابق بند ۸ ماده ۱۴، نقش محیط خانواده در بازپروری و دوباره تربیت کردن بزهکاران را مورد توجه قرار داده‌اند. بر اساس این بند، «الزام به فراگیری آداب معاشرت خانوادگی و اجتماعی و پایبندی به آن» در شمار اقدام‌های اصلاحی-تربیتی کیفر دوره مراقبت گنجانده شده است تا مجرمان از رهگذر آشنایی با قواعد اجتماعی و احترام به آنها جامعه‌پذیر شوند. بدین‌سان، تدوین‌کنندگان این لایحه، فراگیری آداب اجتماعی و خانوادگی را به دلیل تأثیر خانواده در اجتماعی کردن افراد، شکل‌گیری باورها و نگرش‌های آنان، شناسایی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و تثبیت جایگاه اجتماعی برای شماری از

بزهکاران پیش‌بینی کرده‌اند. بدین ترتیب، نویسندگان لایحه با این بند، هم بر نقش خانواده در جامعه‌پذیری و هم‌نوایی تأکید دارند و هم به اصلاح مجرمان در بستر جامعه و با مشارکت نهادهای اجتماعی می‌اندیشند. با این حال، اجرای بند مزبور با ابهاماتی مواجه است که نیازمند تبیین و شفاف‌سازی است. بدین شکل که نخست، بزهکاران مشمول بند یادشده باید کدام آداب معاشرت خانوادگی و اجتماعی را فرا گیرند؟ به دیگر سخن، آنان باید از کدام الگوی رفتاری برای هم‌نوایی اجتماعی پیروی کنند؟ دوم، چه نهادی آموزش این آداب را بر عهده دارد؟ آیا دادرسان باید آداب یادشده را به بزهکاران آموزش دهند یا اینکه آداب‌آموزی به دیگر دست‌اندرکاران عدالت کیفری، نهادهای دولتی و نهادهای جامعه‌ی واگذار می‌شود؟ بنابراین، ملاحظه می‌شود که بازپروری فرهنگی بزهکاران از رهگذر تدابیر تربیت‌مدار پیش‌بینی شده در این لایحه با چالش‌های متعددی روبه‌رو شده است (Niazpour, 2007).

نقش مقام اجرای مجازات در سازوکارهای ارفاقی در حقوق فرانسه

نقش مقام اجرای مجازات در سازوکارهای ارفاقی در حقوق فرانسه عبارت‌اند از:

تعویق

یکی از راه‌های اصلاح مجرم، تعویق مجازات می‌باشد. تعویق در لغت به معنای عقب انداختن، پس افکندن و بازداشتن است (Moein, 2002). تعویق اجرای مجازات؛ یعنی به تأخیر انداختن اجرای مجازات با نظر دادگاه صادرکننده حکم و به‌منظور اصلاح رفتار و بازاجتماعی کردن بزهکار (Ardabili, 2009). هر جامعه‌ای وظیفه دارد، علی‌رغم اینکه در پی واکنش به مجرمان و بزهکاران است، به فکر اصلاح بزهکاران نیز باشد. بنابراین، باید تدابیری اندیشید که مجرمان به اجتماع بازگردانده شده و بتوانند با اجتماع سازگاری پیدا کرده و در کنار سایر شهروندان زندگی کنند. بازگرداندن مجرم و اجتماعی کردن وی از مهم‌ترین مسائلی است

بقای حیات، دوباره به ارتکاب جرم دست بزنند که این خود منجر به آن می‌شود که با افراد دیگری که مانند خود برچسب خورده‌اند، معاشرت کند (Vold et al., 2011).

پیش‌بینی نهاد مراقبت اجتماعی قضایی

مقنن فرانسوی در ماده ۱۳۱-۳۶۱ قانون مجازات ۱۹۹۴ نهاد مراقبت اجتماعی قضایی را پیش‌بینی می‌کند. بر مبنای این ماده، قاضی می‌تواند در قلمرو تمامی جرائم مبادرت به صدور دستور مبنی بر مراقبت اجتماعی قضایی کند. مدت این دوره در قلمرو جرائم جنحه از ۱۰ سال و در قلمرو جرائم جنایی از ۲۰ سال تجاوز نمی‌کند. با این همه، حتی در قلمرو جرائم جنحه، دادگاه می‌تواند در موارد خاصی که به نظرش ضروری می‌رسد، حتی مدت این دوره را تا ۲۰ سال نیز افزایش دهد. در جرائم جنایی با مجازات حداکثر ۳۰ سال حبس، دوره مراقبت اجتماعی قضایی نیز می‌تواند تا ۳۰ سال ادامه یابد. مقنن فرانسوی هدف از این دوره را پیشگیری از تکرار جرم دانسته و تصریح می‌کند که محکوم باید تحت نظارت دادرس اجرای کیفر قرار گرفته و تدابیر مراقبتی و کمکی را بپذیرد. ژان پرادل این مراقبت را نوعی اقدام تأمینی و تربیتی می‌داند، چرا که هدف آن اصلاح مجرم و جلوگیری از تکرار بزه است. البته نام‌گذاری این تدابیر به عنوان مجازات یا اقدام تأمینی اهمیت کمتری دارد؛ آنچه مهم است، ماهیت و هدف تدبیر اتخاذ شده است. گاهی حتی اقداماتی که با عنوان تأمینی و تربیتی نامیده می‌شوند، در عمل رنگ کیفری دارند. از ویژگی‌های اساسی اقدامات تأمینی، نامعین بودن مدت آنهاست، یعنی باید تا زمانی ادامه یابند که محکوم حالت خطرناک دارد، و در غیر این صورت، جنبه مجازاتی می‌یابند. به همین دلیل، اولاً قانون مجازات ۱۹۹۲ فرانسه حداقل مجازات برای برخی اقدامات تعیین نکرده و ثانیاً در سال ۲۰۰۰ مرحله اجرای حکم را قضایی کرده است تا تدابیر اتخاذ شده دقیق‌تر و متناسب‌تر با وضعیت محکوم علیه باشد.

که هر کشور و جامعه‌ای باید زمینه آن را فراهم نماید. در نظام کشوری ما نیز این راهکار وجود داشته و تحت عنوان تعویق اجرای مجازات مطرح می‌شود. جهات تعویق در نظام کیفری کشور ما منحصر است به تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط (Ahmadi Movahed, 2008). نهاد تعویق در فرانسه به صورت مطلق پیش‌بینی شده است و در ارتباط با بزرگسالان نیز اعمال می‌شود، زیرا اگر فلسفه نهاد مذکور را جلوگیری از مجازات مجرمین غیرخطرناک بدانیم، می‌توان این نهاد را دوباره هر دو دسته از مجرمین اعمال نمود. فلذا به همین خاطر است که قانون‌گذاران فرانسوی، در ماده ۶۰ و ماده ۵۹، رده سنی خاصی را متذکر نشده‌اند و فرد بزهکار به صرف داشتن شرایط مرقوم در قوانین مذکور، از این ارفاق قانونی برخوردار می‌شود.

قانون مجازات اسلامی نیز با تأسی از قانون‌گذار فرانسوی، هیچ تفکیکی میان کودکان با مسئولیت کیفری و بزرگسالان قائل نشده است، جز در ماده ۹۴ ق.م.ا. که از اطفال و نوجوانان حمایت بیشتری به عمل آورده است.

مطابق ماده ۶۰ قانون مجازات فرانسه، زمانی قاضی اجرای مجازات‌ها در فرانسه می‌تواند صدور حکم مجرم را به تعویق بیندازد که مجرم درصدد جبران «خسارت‌های ناشی از ارتکاب جرم» برآمده باشد.

نهاد تعویق مانع از آن می‌شود که به مجرم برچسب بزنند و او را به صورت مجرم درآورند (Dadsetan, 2010). پس از آنکه شخصی از سوی جامعه برچسب خورد و آن را پذیرفت، بر اساس آن، تصویر شخصی خویش را تغییر می‌دهد و خودانگاره مجرمانه در وی شکل می‌گیرد (Williams & McShane, 2004). پس از قبول این خودانگاره مجرمانه، ممکن است شخص برای مطابقت هرچه بیشتر با این نقش، به سوی نقش‌های مجرمانه بیشتری سوق داده شود. برای نمونه، ممکن است شخص با رهایی از زندان به خاطر محکومیت کیفری، نتواند کار مشروعی به دست آورد و برای

قضای کردن مرحله اجرای حکم

بی تردید، مؤلفه سزاگرایی مبتنی بر تعیین مجازات‌ها در چهارچوب تعیین‌شده قانونی، توسط قاضی صادرکننده حکم و اجرای دقیق مجازات مورد حکم قرارگرفته توسط نهادهای اجرایی مانند سازمان زندان‌ها است. در چنین بستری، امکان تغییر میزان مجازات به هیچ عنوان وجود ندارد، اگرچه ممکن است محکوم با استفاده از نهادهایی مانند آزادی مشروط یا عفو زودتر از موعد مقرر در حکم دادگاه آزاد شود. از آنجایی که اجرای حکم در حیطه وظایف نهادهایی است که صلاحیت قضایی ندارند، مرحله اجرای حکم، مرحله غیرقضایی محسوب می‌شود. با این همه، اگرچه در حقوق کیفری فرانسه تا قبل از سال ۲۰۰۰ میلادی قاضی اجرای مجازات‌ها بر فرایند اجرای مجازات نظارت می‌کرد، ولی از آنجا که این قاضی امکان تغییر میزان مجازات صادره را نداشت، مرحله اجرای حکم همچنان مرحله‌ای غیرقضایی محسوب می‌شد. مقنن فرانسوی در سال ۲۰۰۰ میلادی قدرت قضایی واقعی به قاضی اجرای مجازات‌ها اعطا می‌کند و مرحله اجرای حکم را از مرحله‌ای اداری به مرحله‌ای قضایی تبدیل می‌کند و بنابراین، اجرای حکم را وارد مرحله نوین و بی‌سابقه‌ای می‌کند. مقنن فرانسوی در قالب ماده ۷۱۲-۱ قانون آیین دادرسی کیفری به پیش‌بینی قاضی اجرای مجازات‌ها و دادگاه اجرای مجازات‌ها می‌پردازد. در جرائم سبک، قاضی اجرای مجازات‌ها به‌تنهایی و در قلمرو جرائم مهم، دادگاه اجرای مجازات‌ها با حضور سه قاضی، در خصوص شیوه اجرای مجازات و حتی تعیین میزان مجازات و زمان آزادی محکوم یا اتمام مدت مجازات تصمیم می‌گیرند. در حقیقت، هرگونه تصمیمی که قاضی اجرای مجازات‌ها و یا دادگاه اجرای مجازات‌ها می‌گیرند، چون تصمیم قضایی ماهوی محسوب می‌شود، قابل اعتراض است و به اعتراض نیز در دادگاه تجدیدنظر اجرای احکام رسیدگی می‌شود (Kolb & Leturmy, 2019). مقنن فرانسوی با وضع ماده ۷۱۲-۱ و مواد بعدی، گام مهمی در جهت فردی

کردن مجازات‌ها در مرحله اجرای حکم و همچنین به‌کارگیری مؤلفه اصلاح و درمان و پیشگیری از وقوع جرم در مرحله اجرای حکم برداشته است. یکی دیگر از تدابیر پیش‌بینی‌شده در حقوق کیفری فرانسه و برگرفته از مؤلفه اصلاح و بازپروری، پیش‌بینی «دوره تأمین» است.

پیش‌بینی دوره تأمین

مقنن فرانسوی در سال ۲۰۰۵ میلادی نهاد جدیدی را تحت عنوان دوره تأمین در ماده ۱۳۲-۲۳ قانون مجازات پیش‌بینی می‌کند. بر مبنای این ماده، دوره تأمین ویژه محکومانی است که حالت خطرناک دارند و به حبس غیرتعلیقی محکوم می‌شوند. بر اساس قانون، محکومان در دوره تأمین حق استفاده از مرخصی یا تدابیر منتهی به آزادی را ندارند. گرچه قاضی دادگاه مدت دوره تأمین را تعیین می‌کند، اما قاضی یا دادگاه اجرای مجازات می‌تواند آن را نادیده گرفته، تغییر داده یا مستقلاً تعیین کند. هدف، طرد محکوم از جامعه تا رفع حالت خطرناک و اصلاح اوست. این دوره برگرفته از مکتب تحقیقی و مؤلفه بازپروری است. از دیگر تدابیر مبتنی بر اصلاح و بازپروری در حقوق فرانسه، تدابیر جایگزین حبس است که به‌جای زندان، مجازات‌های اصلاح‌محور اعمال می‌شود.

نتیجه‌گیری

روشن است صرف دخالت دادن شخص دارای تخصص قضایی در مرحله اجرای حکم، بدون دادن اختیارات قانونی مستقل و بدون در نظر داشتن رویکرد اصلاحی در اعمال مجازات، تنها یک جابه‌جایی اداری است تا یک تحول قضایی در راستای دانش کیفرشناسی. در چنین شرایطی که تصمیم‌نهایی در خصوص به‌کارگیری سازوکارهای ارفاقی در اختیار قاضی دادگاه است، شاید بتوان از تفرید قضایی سخن گفت، اما سخن گفتن از «تفرید اجرایی» بسیار دشوار و به دور از واقعیت‌ها و ظرفیت‌های قانونی موجود است. از این روی، صلاحیت تفریدی قاضی اجرای احکام مستلزم برخورداری از اختیارات مستقل و تبدیل «اقدامات وابسته»

اجرای حکم باشد. سازوکار مورد نظر می‌تواند در قالب الحاقیه یک بند به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی باشد به این مضمون که دادگاه در صدور حکم تعزیری موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد: «... ث- عوامل جانبی خارج از اراده و شرایط متهم مانند امکانات و جمعیت زندان، حوادث طبیعی ناگوار مانند سیل و زلزله در محل سکونت متهم یا محل اجرای مجازات، شرایط بهداشتی کلی مانند بیماری‌های فراگیر و ...». با توجه به اینکه در نظام کیفری ایران، عمر قانون آیین دادرسی کیفری تقریباً به بیش از یک قرن می‌رسد و در خصوص وضعیت اجرای احکام کیفری تاکنون قانون مستقلی همانند اجرای احکام مدنی تدوین نشده است، لذا پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت این موضوع، قانون خاصی در این زمینه پس از انجام کارشناسی لازم به تصویب برسد. در این قانون باید تشریفات اجرای احکام کیفری و جزئیات وظایف قاضی اجرای احکام، به تناسب محکومان، نوع مجازات‌ها، نظارت‌های دوره‌ای بر فرایند اجرا و تیم‌های تخصصی و کارشناسی مؤثر در اجرا پیش‌بینی گردد. حتی می‌توان پیشنهاد داد که با الهام از نظام دادرسی کیفری فرانسه، کمیسیون وظیفه جرح و تعدیل ایفای نقش قضات اجرای احکام را بر عهده داشته باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The effective execution of criminal sentences is one of the most decisive stages of criminal justice because the aims of punishment are not realized merely through judicial sentencing, but through the way in which the sentence is implemented, adjusted, supervised, and individualized after final judgment. In modern criminal policy, the execution stage is no longer regarded as a purely administrative phase; rather, it is increasingly understood as a juridical and criminological field in which

به «اختیارات مستقل» است. در این راستا، پیشنهاد نگارنده از یک سو اصلاح مقررات قانونی مربوط به اختیارات قاضی اجرای احکام در راستای افزایش اختیارات مستقل قاضی اجرای احکام جهت فردی‌سازی اجرای مجازات و از سوی دیگر، تجمیع مقررات پراکنده در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری در ذیل ماده ۴۸۹ قانون اخیر است. افزون بر این، صرف اعطای اختیارات به قاضی اجرای احکام بدون تدوین و ترسیم سیاست کیفری مشخص، نه تنها موجب کارآمدی کیفرها و اثرگذاری اصلاحی آن نخواهد بود، بلکه گاه بی‌توجهی و حتی سوءاستفاده مقام اجرایی از اختیارات تشدید خود، موجب سخت‌گیری بر محکوم‌علیه و محرومیت وی از نهادهای اصلاحی خواهد بود. از این روی، ترسیم و تفهیم سیاست کیفری ارفاقی که راهبرد نوین سیاست کیفری ایران است، و توجیه قضات اجرای احکام برای استفاده از ظرفیت نهادهای ارفاقی، زمینه فردی‌سازی ارفاقی و تحقق ویژگی اصلاح‌گرایانه مجازات را فراهم خواهد کرد. همچنین، فردی‌سازی مجازات نباید تنها بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و شرایط فردی خود محکوم‌علیه، تفرید اولیه، باشد، بلکه در فردی‌سازی، عوامل خانوادگی، محیطی و پیرامونی و امکانات اجرای مجازات هم باید در نظر گرفته شود، تفرید ثانویه. به‌عنوان نمونه، تراکم جمعیت زندان یا شیوع بیماری در زندان یا رواج مصرف مواد مخدر یا بی‌اخلاقی فاحش در محیط زندان هم باید بتواند زمینه‌ای برای فردی‌سازی اجرای مجازات توسط قاضی

the principles of legality, proportionality, individualization, rehabilitation, and social reintegration converge. This perspective is especially important in relation to leniency mechanisms, because these mechanisms seek to prevent the rigid and mechanical execution of punishment where the personal, physical, psychological, familial, or social circumstances of the offender justify mitigation, postponement, conversion, or alternative enforcement. In Iranian and French law, the authority responsible for the execution of

sentences has gradually acquired a significant position in this regard. In French criminal law, especially after the judicialization of the enforcement stage, the judge responsible for sentence execution became a key actor in adapting punishment to the evolving personality and conduct of the convicted person (Amiri et al., 2018; Kolb & Leturmy, 2019). In Iranian law, although the structure is more limited and fragmented, the judge of criminal judgment enforcement has important powers in areas such as postponement of sentence execution, suspension of community service, exemption from part of monetary fines, prison leave, conversion of punishments, and proposing the modification of supplementary penalties (Mousavifard et al., 2017; Najafian, 2013). The central issue addressed in this study is therefore how the authority responsible for the execution of sentences influences leniency mechanisms in Iranian and French law, and to what extent these powers contribute to the individualized, corrective, and humane execution of punishment.

This study adopted a descriptive-analytical method with a comparative approach and relied on library-based sources, statutory materials, doctrinal writings, and comparative criminal-law analysis. The theoretical foundation of the research is based on the idea that punishment must be individualized not only at the sentencing stage but also during enforcement. Individualization at the enforcement stage is particularly important because the circumstances of the convicted person may change after judgment, and because the realities of imprisonment, health, family dependency, prison overcrowding, social reintegration, and rehabilitative progress may require reconsideration of the manner in which punishment is implemented. In Iranian law, several legal provisions show that the execution authority can affect the enforcement of punishment through leniency-

based mechanisms. For instance, under the rules governing postponement and suspension of sentence execution, if the convicted person suffers from physical or psychological illness and the enforcement of punishment would aggravate the illness or delay recovery, the judge of criminal judgment enforcement may postpone execution after obtaining forensic medical opinion. This reflects a dignity-oriented interpretation of criminal procedure and connects the enforcement stage with respect for the health and human dignity of offenders (Ashouri & Rahmat, 2014). The same logic is also visible in Islamic jurisprudential sources, where the enforcement of corporal punishments may be delayed where illness, pregnancy, childbirth, or comparable conditions would make immediate enforcement harmful (Amili, 1993; Najafi, 1983; Sabzevari, 1992; Tabasi, 1995). Accordingly, one of the major findings of the study is that postponement and suspension of execution are not merely procedural devices; they are important instruments of enforcement-stage individualization and leniency.

The findings further show that Iranian law grants the execution authority several specific powers that can function as mechanisms of leniency, even though these powers are not always systematically organized within a coherent enforcement policy. One important example is the temporary suspension of unpaid public service, which is one of the alternatives to imprisonment. Where the convicted person's physical condition, need for medical services, family hardship, or similar circumstances justify it, the judge of sentence execution may temporarily suspend public service or propose its conversion into another alternative punishment. This authority is significant because it reflects not only primary individualization based on the offender's personal condition, but also secondary individualization based on family

circumstances and the situation of persons affected by the punishment, such as children, spouses, or dependent relatives (Breen, 2008). Another important example is exemption from part of the monetary fine. Under Iranian criminal procedure, if the convicted person appears within the legally prescribed period to pay the fine, the judge of enforcement may exempt him or her from twenty percent of the fine. This power is important because it allows the enforcement judge to apply a direct incentive without returning the case to the sentencing court. In the same way, prison leave constitutes one of the most important forms of leniency in the enforcement stage, especially where it can facilitate reconciliation with the private complainant, compensation of harm, or eventual release. The study also found that the possibility of requesting conversion of punishment due to illness is a major innovation of Iranian criminal procedure, because it allows the enforcement judge to identify situations in which the original punishment can no longer be appropriately implemented and to refer the matter to the competent judicial authority for conversion (Bakhtar, 2009; Pourghahramani & Negahdar, 2018). These mechanisms show that the judge of execution can influence the real severity and social consequences of punishment, even where the original sentence remains formally unchanged.

Another important dimension of the study concerns the correctional and rehabilitative role of the execution stage. In contemporary criminal law, imprisonment is not justified only as deprivation of liberty; it must also be accompanied by correctional, educational, psychological, vocational, and social measures designed to reduce recidivism and prepare the offender for return to society. Iranian prison regulations have repeatedly described prison as a place for correction, rehabilitation, and resocialization, and have emphasized educational, religious, cultural, vocational,

disciplinary, and classification-based measures within prison institutions (Ebrahimi, 2016; Haji Dehabadi, 2009). The study found that correctional programs during imprisonment are among the most important ways through which the authority responsible for sentence execution can indirectly influence leniency mechanisms, because a convicted person's conduct, progress, disciplinary record, participation in rehabilitative programs, and responsiveness to correctional interventions may justify leave, mitigation, conversion, or other enforcement adjustments. The classification and separation of prisoners also play an important role, because proper separation according to age, type of offense, legal status, health condition, and rehabilitative needs can reduce criminogenic contamination and increase the effectiveness of correctional programs (Ebrahimi & Izadi, 2012). Cultural rehabilitation is also relevant, because the justice system may seek to improve offenders' moral, educational, social, and behavioral capacities through training in social norms, family relations, and civic responsibility (Danesh, 2002; Niazpour, 2007). These findings indicate that leniency should not be understood as mere reduction of punishment; it should be linked to correctional progress, social reintegration, and the prevention of future crime.

In French law, the role of the authority responsible for sentence execution is more clearly connected with the judicialization of the enforcement stage. The French system has developed mechanisms that allow the sentence execution judge and, in more serious matters, sentence execution courts to intervene in the manner, duration, and conditions of punishment. The institution of postponement in French criminal law reflects the idea that punishment may be deferred when this serves rehabilitation, reparation, and reintegration. Doctrinally, postponement is associated with

preventing stigmatization and avoiding the formation of a criminal self-image, because labeling may push the offender toward deeper criminal identity and further association with criminal environments (Dadsetan, 2010; Vold et al., 2011; Williams & McShane, 2004). Another important mechanism is judicial social supervision, which allows the court to impose supervision and assistance measures on the convicted person for the purpose of preventing recidivism. This mechanism reflects a preventive and rehabilitative logic, even where its formal classification as punishment or security measure may be debated. More importantly, French law transformed the enforcement stage into a genuinely judicial stage by granting real decision-making power to sentence execution judges and sentence execution courts. After this development, decisions concerning the conditions of enforcement, adjustment of punishment, release, and completion of punishment became judicial decisions subject to appeal, rather than purely administrative measures (Delmas-Marty, 2002; Kolb & Leturmy, 2019). The French security period also reflects a particular balance between public protection and rehabilitation: dangerous offenders may be excluded from certain release-related benefits during a defined period, but the execution judge or court may still adjust this period according to the offender's condition and progress. Compared with Iranian law, the French model therefore offers a more institutionally developed framework for enforcement-stage individualization.

The study concludes that the authority responsible for the execution of sentences plays a decisive role in leniency mechanisms in both Iranian and French law, but the scope, coherence, and juridical nature of this role differ significantly between the two systems. In Iranian law, the execution judge has important powers in relation to

postponement, suspension, conversion, prison leave, monetary fines, supplementary punishments, and rehabilitative measures, but these powers remain scattered across different statutes and are often dependent on other judicial authorities. Therefore, the development of genuine enforcement-stage individualization requires stronger independent authority, clearer statutory organization, and a more explicit correctional policy. In French law, by contrast, the judicialization of sentence execution has strengthened the position of the execution judge and made the enforcement stage a dynamic judicial process capable of adapting punishment to the offender's development and the aims of rehabilitation and public protection. The main implication of the study is that leniency mechanisms should not be regarded as exceptional concessions, but as essential instruments for achieving humane, proportionate, corrective, and socially useful punishment. Accordingly, Iranian law would benefit from a more coherent law on criminal judgment enforcement, the consolidation of scattered provisions, the expansion of independent powers for the execution judge, the appealability of substantive enforcement decisions, and the recognition of both primary and secondary individualization, including not only the offender's personal characteristics but also family circumstances, prison conditions, public health risks, and broader social factors affecting the fairness and effectiveness of punishment.

References

- Aghaei Jannat Makan, H. (2015). *General Criminal Law: The Science of Enforcement of Criminal Judgments* (1st ed., Vol. 4). Jangal/Javidaneh Publications.
- Ahmadi Movahed, A. (2008). *Enforcement of Criminal Judgments* (3rd ed.). Mizan Publications.
- Amid, H. (2005). *Amid Persian Dictionary* (10th ed.). Amir Kabir Publications.
- Amili, M. i. a.-H. (1993). *Wasa'il al-Shi'a* (1st ed., Vol. 28). Islamic Publications Office.

- Amiri, M., Ramezani, A., Goldouzian, I., & Salehi, S. (2018). A Comparative Study of the Position of the Judgment Enforcement Institution in the Criminal Systems of Iran, France, and England. *Comparative Law Studies Quarterly*, 1(2), 493-519.
- Ardabili, M. A. (2009). *General Criminal Law* (17th ed., Vol. 2). Mizan Publications.
- Ashouri, M., & Rahmat, M. (2014). A Dignity-Oriented Criminological Model of Pretrial Detention in Criminal Procedure. *Criminal law doctrines*, 2(7), 3-26.
- Bakhtar, S. A. (2009). *Enforcement of Criminal Judgments in Regulations, Laws, and Judicial Practice* (3rd ed.). Jangal/Javidaneh Publications.
- Boulloc, B. (2008). *Penology* (6th ed.). Majd Publications.
- Breen, J. (2008). Prisoners' Families and the Ripple Effects of Imprisonment. *Studies: An Irish Quarterly Review*, 97(385), 59-71.
- Dadsetan, P. (2010). *Criminal Psychology* (7th ed.). SAMT Publications.
- Danesh, T. Z. (2002). *Prisoners' Rights and Penitentiary Science* (3rd ed.). University of Tehran Press.
- Delmas-Marty, M. (2002). *The Major Systems of Criminal Policy* (1st ed.). Mizan Publications.
- Ebrahimi, M. (2016). *The Position of the Social Worker in the Criminal Procedure Code and the Islamic Penal Code* [Islamic Azad University, Central Tehran Branch]. Tehran.
- Ebrahimi, S. (2012). Fair Rehabilitation of Offenders. *Criminal law doctrines*, 1(3), 151-176.
- Ebrahimi, S., & Izadi, A. (2012). A Comparative Study of Correctional and Therapeutic Strategies at the Stage of Prison Sentence Enforcement in Iran and Canada. *Criminal Law Research Quarterly*, 3(2), 29-60.
- Haji Dehabadi, A. (2009). Correction of Offenders in Legislative Criminal Policy. *Private Law Studies Quarterly*, 39(3), 83-104.
- Kolb, P., & Leturmy, L. (2019). *Lessons from French General Criminal Law* (1st ed.). Shahid Bahonar University of Kerman Press.
- Moein, M. (2002). *Persian Dictionary* (6th ed., Vol. 1). Adna and Ketab-e Rah-e No Publications.
- Mousavifard, S. M., Akhtari, S., Asadi, R., & Momeni, S. (2017). Duties and Powers of the Judge of Judgment Enforcement. First International Conference on Social Sciences, Educational Sciences, Humanities, and Psychology, Tehran.
- Najafi, M. H. (1983). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam* (7th ed., Vol. 41). Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Najafian, M. (2013). *Examining the Institution of the Judge for Enforcement of Punishments in Iranian and French Criminal Law* [University of Qom]. Qom.
- Niazpour, A. (2007). The Right of Defendants to Have a Lawyer in the Criminal Process: A Manifestation of Citizenship Rights. *Judiciary Legal Journal*, 7(58), 93-118.
- Nowbahar, R. (2010). *The Principle of Legality of Punishments: A Jurisprudential Analysis of the Right to a Fair Trial* (3rd ed.). Shahr-e Danesh Publications.
- Ostrom, C. W., Ostrom, B. J., & Kleiman, M. (2004). Judges and Discrimination: Assessing the Theory and Practice of Criminal Sentencing. *International Journal for Crime*, 8(98), 280-364.
- Pourghahramani, B., & Negahdar, I. (2018). Evaluating Judges' Approach to Applying New Leniency Institutions: A Case Study of Criminal Courts in Kurdistan Province. *Journal of Criminal Law and Criminology Studies*, 48(2), 189-230.
- Sabzevari, S. A.-A. (1992). *Muhadhdhab al-Ahkam fi Bayan al-Halal wa al-Haram* (4th ed., Vol. 28). Al-Manar Institute.
- Tabasi, N. a.-D. (1995). *Mawarid al-Sijn fi al-Nusus wa al-Fatawa* (1st ed.). Publications Office of the Islamic Propagation Office of the Qom Seminary.
- Vold, G., Thomas, B., & Snipes, J. (2011). *Theoretical Criminology* (4th ed.). SAMT Publications.
- Williams, F. P., & McShane, M. D. (2004). *Criminological Theory*. Mizan Publications.